

عوامل روانشناختی ایجاد تفاهم بین دو نسل

محمود صفری

مقدمه

دوران نوجوانی، دورانی دشوارتر از سال‌های کودکی قلمداد شده است. ۳۰۰ سال پیش از تولد مسیح (ع)، ارسطو چنین اظهار داشت که «نوجوانان پرشور و آتشی مزاجند و آماده‌اند که خود را به دست غرایز بسپارند». افلاطون اندرز می‌داد که پسرها تا ۱۸ سالگی نباید مشروبات الکلی بخورند زیرا زود تهییج می‌شوند. وی می‌گفت: «نباید آتش روی آتش ریخت». در اوایل قرن حاضر، هال، پدر مطالعه علمی و روانشناختی درباره نوجوانی، این دوران را دوران طوفان و تنش شدید و نیز دوران توانایی فوق‌العاده جسمانی، عقلی و عاطفی توصیف کرد.

به هر حال دوران نوجوانی مرحله پرکشش و گاه دشواری در زندگی است. یکی از عمده‌ترین مسائلی که نوجوانان در جامعه با آن درگیرند، این است که «من کیستم؟» نوجوانان و بزرگسالانی که احساس هویت خود در آنان قوی است خود را افرادی مجزا و متمایز و مستقل از دیگران می‌دانند. کلمه فرد که معادل کلمه شخص است، نشانگر نیازی است همگانی به درک خود به عنوان کسی که به رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران، در عین حال از سایرین جدا و متمایز است. نیاز به ثبات رأی و حس یکپارچگی نیز ارتباط نزدیکی با آن نیاز همگانی در زمینه درک

خود دارد. یکپارچگی خود به معنای جدایی از دیگران است و در عین حال یگانگی خود.

در صورتی که نوجوان، مرحله هویت یابی را که توأم با استقلال طلبی و منم کردن و ایستادن در مقابل ارزش های والدین است به سلامتی بگذراند، به سازگاری دائمی با خود و با بزرگترها خواهد رسید و در دوران بزرگسالی شخصیتی صمیمی پیدا می کند. لیکن اگر این دوره را به خوبی طی نکند دچار بحران و سردرگمی شده و در دوره بزرگسالی نیز از دیگران فاصله می گیرد.

نقش مادر زمینه ایجاد و رفع فاصله بین دو نسل

در مجموع با توجه به شرایط مختلف تربیتی - فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی حاکم بر جامعه، شاهد آن هستیم که فرزندان پسر خانواده تا زمانی که دوران کودکی خود را سپری می کنند واز لحاظ اقتصادی و عاطفی به والدین خود وابسته و نیازمند هستند، با آنان هماهنگ هستند. لیکن از همان زمان که به سن نوجوانی رسیده و استقلال طلبی در آنان ظاهر می شود، از خانواده و والدین و نسل پیشین خود فاصله گرفته و حتی در بسیاری موارد، در مقابل آنان قرار می گیرند. خانواده ها هم که از این همه تغییرات ناگهانی در روحیه فرزندان متعجب و بهت زده شده اند، گاه با اتخاذ روش های غلط، این شکاف را عمیق تر می کنند. و این امری است که نه تنها در چگونگی گذران ایام نوجوانی و هویت یابی ریشه دارد، بلکه ریشه های آن به گذشته های دورتر و ایام کودکی نسل جدید ما برمی گردد. گذشته هایی که ما به عنوان والدین این نسل جوان در تعامل و ارتباط متقابل با فرزندانمان، سازنده آن بوده و هستیم.

اکنون هم چندان دیر نشده. مشروط به آن که وجود مشکل را درک کرده و به منظور حل آن دارای انگیزه کافی باشیم. حل مسئله مورد نظر، کار چندان مشکلی نخواهد بود.

اطلاع و اقرار به وجود مسئله و داشتن انگیزه برای حل آن، صرفاً اولین قدم در راه کم‌تر کردن فاصله دو نسل است. گام اساسی‌تر را آن‌گاه می‌توان برداشت که به وظایف خود در این زمینه آگاه باشیم، و پس از آن مهم‌ترین مسئولیت‌ها، اقدام عاجل در راه تحقق آگاهی‌هاست.

چه باید کرد؟

ایجاد تفاهم بین دو نسل، به مجموعه‌ای از شناخت‌ها، فعالیت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی نیاز دارد که عبارتند از:

الف- آگاهی نسبت به نیازهای عاطفی، اجتماعی، فیزیولوژیک و شناختی نسل جدید، اقدام در جهت رفع نیازها. درباره تعداد نیازها بین روانشناسان اختلاف نظر وجود دارد. چنان‌که برخی از ایشان ۱۳ احتیاج و گروهی ۷ یا ۸ نیاز را نام برده‌اند. بیشتر روانشناسان بر این باورند که نیازهای زیر در انسان وجود دارد:

۱- **نیازهای فیزیولوژیک:** که گاهی احتیاجات اولیه یا اساسی نامیده می‌شود. زیرا زندگی بدون ارضای آن غیرممکن و یا دشوار خواهد بود. و از طرف دیگر پایه سایر نیازها هم هستند.

۲- **نیاز به محبت:** انسان از آغاز تولد تا زمان مرگ نیازمند است که مورد محبت والدین، سایر افراد خانواده و اجتماع قرار گیرد و خود نیز به آنان محبت کند.

۳- **نیاز به تعلق خاطر:** هر کس نیاز دارد خود را به گروهی متعلق بداند و به آن

نسبت دهد. با آن گروه تبادلات فکری - عاطفی داشته باشد، همچنین مایل است با دیگران دوست شود و با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. این نیاز در سنین نوجوانی و جوانی به اوج خود می‌رسد.

۴- نیاز به برخورداری از امنیت: هر فرد نیازمند است که از لحاظ اقتصادی و موقعیت اجتماعی، اطمینان خاطر داشته باشد.

۵- نیاز به موقعیت: انسان همیشه مایل است در کار خود موفق شود و گام به گام پیشرفت کند.

۶- نیاز به برخورداری از عزت نفس و احترام به خود: هر انسان مایل است خود را مورد احترام دیگران ببیند و دیگران او را به عنوان یک فرد مستقل و مفید بپذیرند، تا خودش هم برای خویش احترام قائل شود.

۷- نیاز به همدردی: هر کس می‌خواهد در اندوه و ناراحتی دیگران شریک باشد و دیگران نیز با او در ناملايمات همدردی و مساعدت کنند.

۸- نیاز به آزادی از احساس گناه و ترس: هر انسانی نیاز دارد از هر گونه تقصیر و سرزنش و ترس و اضطراب ناشی از آن، آزاد باشد.

۹- نوجویی و نیاز به تغییر: نوجویی در بسیاری از انسان‌ها یک امر طبیعی است و بخصوص نسل جوان از تغییرات بیشتری استقبال می‌کند. آنان افکار و زندگی نسل گذشته را فرتوت و پوسیده می‌دانند و مایلند راههای جدیدی از تحصیل و کار و ارتباطات اجتماعی را تجربه کنند.

همین که اشخاص در سنین نوجوانی و جوانی به رشد اخلاقی و شناختی پیشرفته‌تری می‌رسند در مورد عقاید اجتماعی و سیاسی بزرگسالان تردید می‌کنند. ارزش‌های شخصی و عقایدشان بیشتر نسبی می‌شود. عقاید سیاسی‌شان بیشتر جنبه

انتزاعی پیدا می‌کند و کمتر مستبدانه است. در این دوران رفتارهای بزرگترها را ریاکارانه می‌پندارند و به این باور می‌رسند که توانایی دارند کل دنیا را به نحو مطلوب و مورد نظر خود تغییر دهند.

۱۰-: جوانان نیاز به واقع‌بینی از رفتار و عملکرد بزرگان را دارند بویژه از معلمان اخلاق و عالمان دینی، تا گفتار کردارشان با هم مطابقت داشته باشد و بیشتر از طریق مشاهده رفتاری افراد به مسائل اعتقادی علاقمند شده و به آن پی می‌برند و گاهی نیز فاصله زیاد می‌تواند به گریز آنها از مسائل اعتقادی کمک کند.

ب - اتخاذ روش‌های تربیتی صحیح،

و اقدام در جهت رفع نیازهای نسل جوان

تحقیقات اثبات کرده که نسل جوان‌تر، به والدینی با محبت و دلسوز نیاز دارند که در جریان رشد آنان، گام به گام آنان را یاری رسانند. آنان نیاز دارند مورد محبت، اعتماد و پذیرش بزرگترها قرار گیرند. سهل‌انگاری، بی‌اعتنایی و خصومت والدین، سازگاری آنان را تا حد زیادی پائین می‌آورد. روانشناسان، شیوه‌های تربیتی والدین را در سه گروه طبقه‌بندی کرده‌اند. چنین روش تربیتی منجر به بلوغ شناختی و اجتماعی و عاطفی فرزندان می‌شود و آنان را اشخاصی با احساس مسئولیت و همدل با دیگران، بار می‌آورد. این روش فرزندان را تشویق می‌کند تا والدین را الگوی معتبری برای خود ببینند و رابطه‌ای محبت‌آمیز بین آنان برقرار شود.

۱- والدین قاطع و اطمینان‌بخش: دمکرات‌منش و در عین حال قاطع هستند. آنان هم برای فرزندان خود استقلال و خودمختاری قائلند و هم به انضباط آنان اهمیت می‌دهند. آنان روابط کلامی را تشویق می‌کنند و وقتی فرزند خود را از انجام کاری

منع می‌کنند، برایش دلیل می‌آورند.

۲- **والدین مستبد و خودکامه:** آنان برخلاف والدین دمکرات، لزومی نمی‌بینند که برای دستوراتی که می‌دهند دلیل بیاورند. به نظر آنان اطاعت بی چون و چرا یک فضیلت است.

این روش تربیتی بیشتر منجر به بروز هیجان خشم در فرزندان می‌شود و فرزندان را اشخاصی ناتوان در اجرای مسئولیت‌ها بار می‌آورد و اعتماد به نفس و استقلال و خلاقیت و کنجکاوی و انعطاف پذیری آنان نیز کمتر است.

۳- **والدین مساوات طلب، سهل‌گیر و بی‌بندوبار:** والدینی که سهل‌گیر، بی‌اعتنا، یا به حد افراط مساوات طلب هستند نیز نمی‌توانند آن طور که فرزندان نیاز دارند حامی آنان باشند. بعضی از والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند هر کاری را که مایلند انجام دهند. برخی به این دلیل که اهمیتی به کار نوجوان نمی‌دهند و برخی به این دلیل که برداشت نادرستی از مسئولیت خود دارند به این امر توجهی ندارند که کودکان و نوجوانان، هر قدر هم علیه والدین اعتراض داشته باشند، باز هم میل برابری با آنان را ندارند. آنها از والدین می‌خواهند و نیاز دارند که والدینشان باشند، رفتاری دوستانه داشته باشند و آنان را درک کنند و در هر حال سرمشقی از رفتار یک بزرگسال باشند.

۴ - بالابردن سطح خودآگاهی و خودشناسی

نسل قدیمی‌تر، به عنوان مربیان نسل جدید

بدیهی است، ما به عنوان انسان دارای مجموعه‌ای از نقاط ضعف و قوت

هستیم، و نیازها و ویژگی‌های خاص خود را دارا هستیم. تمام این ویژگی‌ها و نیازها

بر روش‌های برخورد ما با نیازها و ویژگی‌های نسل جدید تأثیرگذار بوده و بر روش‌های تربیتی‌ای که اتخاذ می‌کنیم تأثیر تعیین کننده دارد.

تعصبات، پیش داوری‌ها، نحوه بروز هیجانات، شیوه برقراری ارتباطات بین انسانی، دیدگاه‌های کلیشه‌ای خاص نسبت به امور مختلف، خلق و خوی، آگاهی‌ها و سایر ویژگی‌های شخصیتی، همگی از مواردی هستند که روش‌های تربیتی والدین رابه طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند. شناسایی این موارد به ما، مربیان و پرورشکاران نسل جدید، کمک می‌کند تا روش‌های تربیتی‌مان را در کنترل خود درآوریم.

طبعاً والدینی که از پختگی عاطفی، شناختی و اجتماعی بیشتری برخوردارند، فرزندان معتدل‌تری تربیت کرده و فاصله نسل جدید با خود را به حداقل می‌رسانند.

۱ - بالابردن سطح آگاهی نسل جدید نسبت به

مسئولیت‌های اجتماعی و شخصی‌شان

ضروری است که تمام امکانات و توان خود را به کار گیریم و شرایط رشد شناختی - عاطفی - اخلاقی و اجتماعی را برای نسل جدید مهیا کنیم. آگاهی‌های لازم رابه آنان بدهیم و انتظاراتی را که از آنان داریم برایشان روشن و مشخص گردانیم.

بر ماست که به نسل جدید از همان کودکی آموزش داده شود به همان میزان که برای آنان حقوقی قائل هستیم و به همان میزان که به آنان آزادی داده می‌شود، از آنان انتظاراتی هم می‌رود و مسئولیت و وظایفی هم دارند. نسل جدید، از کودکی

باید بفهمد که فقط بزرگترها نسبت به فرزندان و نسل جدید مسئولیت ندارند، بلکه این مسئولیت پذیری باید متقابل باشد.

و لازم است فرزندان هم خود را با نسل گذشته سازگار کنند و به نظرات آنان احترام بگذارند و در مجموع بزرگترها رابه عنوان یک شخصیت و کل یک پارچه نگریسته و مورد پذیرش و محبت قرار دهند.

نتیجه‌گیری

نسل جدید بیش از هر موقع نیازمند آن است که به عنوان یک انسان مورد پذیرش قرار گیرد، نیازها و سلیقه‌های خود را مورد قبول دیگران ببیند و نسل جدید نیازمند احترام، مراقبت و تمجید و توجه مثبت است.

در صورتی که نیاز نسل جدید در زمینه آزادی عمل، تایید شده، رسیدن به خویشتن پنداری مثبت، مورد احترام واقع شده و استقلال برآورده شود، در صورتی که این نسل خود را در یک زنجیره ارتباطی صمیمی و دائمی بیابد، صداقت و توانایی آنان مورد اعتماد واقع شود، به آنان حق تصمیم‌گیری برای خود واگذار شود، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، فرصت‌های بیشتری برایشان مهیا شود، فرصت‌های شغلی و تحصیلی مناسب‌تر در اختیارشان قرار داده شود، و بیش از آن که احساس کنند به ایشان کم بها داده می‌شود، زمینه‌های هم‌رأیی و هم‌فکری در اختیارشان گذاشته شود، مطمئناً گام‌های سریع و قاطعی به سوی ما برداشته و به ما نزدیک خواهند شد.

البته این امر در صورتی تحقق خواهد یافت که ما خود از نوآوری‌ها و تغییرات بیرونی و درونی نهراسیم، و برای پویا نمودن شخصیت خود نیز ارزش و

اهمیت لازم را قائل باشیم. مهم آن است که بدانیم فعلیت بخشیدن به دیدگاه‌های آرمانی، از رهگذر تعلیم و تربیت اصولی و آموزش‌های هدفمند و رشد یافته که توأم با مسائل اعتقادی و رفتارهای صادقانه و دلسوزانه انسانهای پیشگام هر دو نسل را مخاطب قرار می‌دهد، عبور خواهد کرد.

منابع

- احدی، محمود و محسنی، نیک چهره. روان‌شناسی رشد: روانشناسی نوجوانی و جوانی
- ساعتچی، محمود. نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران. ویرایش. ۱۳۷۹.
- شعاری نژاد، علی اکبر. روان‌شناسی تربیتی و روان‌شناسی نوجوانی. تهران. آموزش و پرورش. ۱۳۵۱.
- گنجی، حمزه. بهداشت روانی. تهران. ارسباران. ۱۳۷۶.
- ماسن، پل هنری و همکاران. رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران مرکز. ۱۳۶۸.